



گفتگو با فاطمه داود آبادی

در هر شرایطی باید امید داشت و تسلیم نشد

مقدمه:

دیدن هنری زیبا از دستتانی توانمند به انسان احساس سرزندگی و نشاط می دهد، مخصوصاً اگر این هنر در دستان کسانی باشد که با تحمل سختی های و پشتکار زیاد در اوج ناباوری آن را به دست می آورند. مثلاً دیدن هنر پر زحمت و زیبایی کاشیکاری از معلولان خلاق و با استعداد با ما یادآوری می شود خواستن توانستن است و هیچ چیز نمی تواند مانع رسیدن به موفقیت شود مگر ناامیدی. با این مقدمه فاطمه داود آبادی یکی از هنرمندان معلول کشور در عرصه هنر کاشیکاری آشنا می شویم.

* از خودتان برای خوانندگان مجله بگویید.

- "فاطمه داودآبادی" هشتم متولد ۱۳۶۳ ساکن تهران. معلولیت جسمی حرکتی دارم (سی پی هستم ویلچرنشین) در خانواده ای چهار نفره به دنیا آمدم فرزند اول هستم و یک برادر کوچکتر دارم. من از کلاس اول تا پنجم ابتدایی رادر مدرسه توانخواهان بودم و سپس تا مقطع دیپلم کامپیوتر کارودانش و در مدرسه عادی تحصیل کردم، با تمام سختی هایی که داشت. شغل ثابتی ندارم در سال ۱۳۹۳ در مرکز نیکوکاری رعد آموزش دیدم و در خانه کارهنری انجام می دهم.

* در مورد معلولیت سی پی توضیحاتی می دهید؟

- در اصطلاح فلج مغزی است. گروهی از ضایعات مزمنی که کنترل حرکتی فرد را مختل می کنند، اختلال حرکتی ناشی از این ضایعه در سالهای اولیه زندگی ظاهر می شود و معمولاً با گذشت زمان بدتر نمی شود. این بیماری در شرایط نقصان تکامل یا آسیب به مناطق حرکتی مغز به وجود می آید.

* در چه سنی متوجه تفاوت خود با سایرین شدید و چگونه با این مسئله کنار آمدید؟

- من از زمانی که چشم باز کردم از سن خیلی کم تفاوتها را فهمیدم وقتی بچه ها راه می رفتند، دنبال هم می کردند و من فقط نگاه می کردم. خیلی اذیت می شدم، ولی کمی که توی جامعه گشتم فهمیدم که تنها من نیستم و خیلی ها مثل من از نعمت راه رفتن محرومند. دیدم به زندگی عوض شد، مثبت اندیش شدم و به خودم گفتم در این شرایط هم می توانم از زندگی لذت ببرم و فعالیت های زیادی انجام بدهم. البته کارهای زیادی هم هست که نمی توانم انجام بدهم که اصلاً بهشان فکر نمی کنم تا ناامید نشوم.

* از مشکلات دوران تحصیل در یک مدرسه عادی ویا در عرصه هنر برایمان بگویید.

- متأسفانه مشکل ما معلولها چه در دوران تحصیل و چه در جای جای زندگی، قابل شمارش نیست. مناسب نبودن خیابانها، پیاده روها و مغازه ها، عدم مناسب سازی اتوبوسها، مترو باعث تحمل سختی زیاد برای معلولین است. علی الخصوص عدم باور و احترام و اعتماد مردم دلیل اصلی

دل آزدگی ورنجش ما معلولین است. با این که استعداد های زیادی داریم فقط به جرم معلولیت باید گوشه گیر و منزوی باشیم.

* یادگیری هنر برایتان زمان بروسخت نبود؟
- بله. خوب در



هر صورت برای یک معلول سسی پی یادگیری هنر آن هم هنر کاشی کاری سخت است اما استادان دلسوز موسسه با صبر و حوصله برای آموزش هنر به من وقت گذاشتند. و جا دارد که از همه این اساتید کمال تشکر را داشته باشم.

* در چه رشته هنری آموزش دیده اید؟

- کاشی کاری معرق. البته کار تایپ هم انجام می دهم.

* توضیحاتی در مورد هنر کاشی کاری معرق می دهید؟

- معرق کاری شامل قطعه های تراشیده شده از کاشی است که نقشهای مختلف را از رنگهای متفاوت در کنار یکدیگر قرار می دهیم و به شکل قطعاتی بزرگ در می آوریم، روی دیوار نصب می شود تا زیبایی خاصی به بنا و ساختمان بدهد. این نقشه های بعضی اوقات از نقشهای گره کشی و گاهی از نقشهای مختلف مانند گل و بوته، اسلیمی، ختایی یا خطوط مختلف تشکیل میگردند. در کل هنر اصیل ایرانی است هنری سخت و زمان بر اما زیباست.

* در مورد کار تایپ توضیح می دهید؟ آنرا به عنوان درآمد انجام می دهید؟

برای همه آشنایان و مشتریان کار تایپ انجام می دهم، دستمزد می گیرم. فایل های صدا و فایل های پی دی اف را در برنامه ورد تایپ می کنم. به صورت زنده هم تایپ می کنم، یعنی اگر کسی چیزی را بخواند من سریعاً تایپ می کنم.

* مشوق شما برای یادگیری هنر و پیشرفت با وجود معلولیت چه کسی بوده؟

- پدر و مادر. عزیزانی که با وجود تمام مشکلات در زندگی من و خودشان همیشه مثل کوهی استوار برایم بهترین هارا رقم زدند.

* می خواهید از هنرتان در راستای چه هدفی بهره مند شوید؟

- مفید بودن و پیشرفت، نشان دادن توانمندی ما معلولین. این که معلولیت محدودیت نیست و معلولان هم می توانند همچون افراد سالم هر کاری را که اراده می کنند انجام بدهند. فقط باید اول خودشان و بعد مردم جامعه آنها را باور کنند.

* چه عاملی باعث شده به دنبال آموختن هنر باشید؟

- برای مفید واقع شدن در زندگی که خدا به من نعمت داشتنش را عطا کرده است باید با روحیه ای بالا تلاش کنم تا به همگان ثابت کنم انسان در هر شرایطی هم که باشد، نباید تسلیم شود و همیشه باید امید داشته باشد و مبارزه کند تا به رسالتی که خدا به او داده است برسد.

* تا به حال شده کسی شمارا برنجاند اما با دیدن هنرتان واکنش متفاوت نشان دهند؟

- بله. بعضی از افراد بعد از این که کارم را می بینند واقعاً تعجب می کنند. تحسین و تشویق آنها باعث دلگرمی و هیجان برای تلاش در راستای موفقیت های بیشتر می شود.

* صحبت پایانی شما برای خوانندگان مجله؟

- امیدوارم نگاه مردم در جامعه نسبت به معلولین عوض شود و با نگاهها و گاهی زیر لب تکرار جمله ای کنایه آمیز مثل: خدایا شرکت... معلولان عزیزا تحقیر نکنند. باور کنید ما معلولین هم چون شما دل داریم و می شکند این دل در سینه ما از دیدن برخی رفتارها. با سایر افراد عادی جامعه هیچ تفاوتی نداریم مگر در ظاهر خلقت که آن هم خواسته خدای متعال بوده. نگویید چون معلول هستیم باید از همه چیز محروم باشیم. معلولین هم حق زندگی کردن، عاشق شدن، ازدواج کردن، مسافرت رفتن و استفاده از همه نعمات خداوند را دارند. و باز هم می گویم در همه لحظات زندگی یاد خداوند باشیم و همیشه امیدوار به الطاف او در زندگی.

چند واقعیت در باره زندگی هنر کلر

«خوشبختی شکل ظاهری ایمان است. تا زمانی که ایمان، امید و سخت کوشی نباشد، هیچ کاری را نمی توان انجام داد»

هنر کلر نویسنده ای
چیره دست

هنر، نویسنده ای با آثار فراوان بود که دوازده کتاب و مقاله های بی شماری در زمینه نابینایی، ناشنوایی، مسائل اجتماعی و حقوق زنان در طول زندگی اش به رشته تحریر درآورده است. اولین کتابش شرح حال زندگی خودش بود به نام «زندگی من»، که اولین بار در سال ۱۹۰۳ چاپ شد.

هنرمندی تحصیل کرده

کلر، سال ۱۹۰۰ در کالج رادکلیف پذیرفته شد و چهار سال پس از آن، به کمک «آنی سالیوان» معلم خود، که سخنرانیها را در کف دست او می نوشت، از آنجا فارغ التحصیل شد؛ بنابراین اولین فرد نابینا - ناشنوایی بود که فارغ التحصیل شد. او مدرک لیسانس هنر را کسب کرد.



علاقه مند موسیقی

هنر از طرفداران موسیقی بود و با انگشتهای فوق العاده حساسش می توانست ارتعاش ابزار موسیقی و هم چنین صدای افراد را بشنود! بازیگر

سال ۱۹۱۹، هنر در فیلم صامتی در مورد زندگی خودش با عنوان «رهایبی» ایفای نقش کرد. او هم چنین در تئاتر وودویل، از سال ۱۹۲۰ به مدت دو سال بازیگری کرد. سال ۱۹۵۰، مستندی درباره ی زندگی او به نام «شکست ناپذیر»، برنده جایزه بهترین مستند شد و خود هنر نیز جایزه اسکار گرفت.